



فَاتَعَدَّ وَلَا تَحْصِي عَجَائِبُهَا

بس تم در پیشود و حساب کرده بنشیند و عجاایبهای است فرازا

وَلَا تُسَامِعُنِي إِلَّا كَثِيرًا بِالسَّامِ

شماره دار کرده بنشیند و است قرآن را بسیار بسیار خواند و بسیار است

قَوَّتْ بِهَا عَيْنٌ قَابِرِيهَا فَقَلَّتْ لَهُ

روزی است بابت قرآن چشم فاری است قرآن پس چشم تمام در قرآن

لَقَدْ ظَفَرَتْ بِجَبَلٍ لِلَّهِ فَأَعْتَصِمِ

بجایزه از طرفی این تو جیسب امد یعنی از یک سو جک تا تو جیسب امد

إِنْ تَتَلَّهَا خِيفَةٌ مِنْ حَرِّ نَارٍ لَطْفِي

از عداوت کن تو است فرازا از جهت ترس از گرمی دوزخ

أَطْفَاتُ حَرِّ لَطْفِي مِنْ وَرْدِهَا الشِّيمِ

بس است سابقه نوری دوزخ را از روی وردان است و است

كَأَنَّ الْمَوْضِعَ بَيَضُ الْوَجْوهِ بِهِ

در مسله است قرآن چشم است که روشنی بسیار است و در وجهان جویس یعنی بوزن

من

مِنَ الْعَصَاةِ وَقَدْ جَاؤُهُ كَالْحَمِيمِ

بجایزه که آمدند عامه میان بهمان جویس مثل است

وَكَا الصَّرَاطِ وَكَالْيَزَانِ مَعْدِلَةً

ایات قرآن مثل صراط است مثل میزان است از روی عدالت

فَالْقِسْطُ مِنْ غَيْرِهَا فِي التَّاسِ كَيْفِمْ

بس عدالت از غیر ایات قرآن در میان ادمان قایم نیست

لَا تَجِيئِينَ لِحُسُودٍ سَرَّاحٍ يُكْرَهُهَا

یعنی عجب کلمه بر حسود است و او را کشتند

تَجَاهِلًا وَهُوَ عَيْنٌ لِحَاذِقِ

از روی نادانی و حال او عین دشمنی و فهم شنیده است

قَدْ شَكَرَ الْعَيْنُ ضَوْءَ الشَّمْسِ مِنْ رَمْدٍ

بجایزه که اظهار میکند چشم نور آفتاب را از روی کوری

وَشَكَرَ النَّفْسُ طَعْمَ اللَّذَّةِ مِنْ سَقَمٍ

بجایزه که انان میکند تم طعم ابر از روی بیماری

Handwritten marginal notes on the left side of the page.

Handwritten marginal notes on the right side of the page.

Copyright watermark across the bottom of the pages.